

بررسی عوامل مؤثر بر حضور زنان روستائی در فعالیتهای آموزشی و ترویجی کشاورزی

مهرنوش میرزائی
مهندس کاوه شهیدی

(مطالعه موردی شهرستانهای بافت و زرنده استان کرمان)

چکیده

زنان روستائی یکی از گروههای موجود و مؤثر در روستا هستند که حدود چهل درصد از فعالیتهای انجام یافته در زمینه کشاورزی و دامداری و نود درصد در زمینه صنایع دستی توسط آنها انجام می‌شود و لیکن بنا بدلایلی کمتر مورد توجه برنامه‌ریزان و دست‌اندرکاران مسائل توسعه روستائی واقع شده‌اند. برای حفظ حقوق این قشر عظیم جامعه روستائی در مسیر توسعه همه جانبه، لازم است تا فعالیتهای مختلف و نیازهای آموزشی مربوط به آنان بررسی شود. جهت انجام این مطالعه با روش نمونه‌گیری خوشه‌ای دو مرحله‌ای در دو گروه همگن زنان روستائی که در کلاسهای آموزشی و ترویجی شرکت نموده‌اند و زنانی که تمایل به شرکت در این کلاسها ندارند در سطح شهرستان بافت و زرنده که بیشترین میزان کلاسهای آموزشی و ترویجی را برگزار نموده‌اند، تعدادی پرسش‌نامه مربوط به کلیه فعالیتهای انجام شده توسط زن روستائی، زمان و مکان انجام این فعالیتها، نوع فعالیتهای، نحوه شرکت، محدودیتهای وی برای شرکت در دوره‌های آموزشی و ترویجی، سن، تحصیلات، تعداد اعضای خانوار و ... تکمیل شده است. سپس تأثیر هر یک از عوامل یاد شده بر میزان استقبال زن روستائی و زمان اختصاص داده شده توسط وی برای این آموزشها که بصورت انفرادی و یا گروهی در مناطق مختلف انجام می‌شود، ارزیابی و یک رگرسیون چندمتغیره با روش OLS انجام گرفته است براساس نتایج اولیه عواملی مانند، سطح سواد، سن، تعداد اعضای خانوار و سایر عوامل اجتماعی که به تفصیل در مقاله بررسی شده است، تأثیر معنی‌داری در میزان استقبال زنان روستائی در منطقه مورد مطالعه داشته است. همچنین فعالیتهای ترویجی و شرکت در کلاسهای آموزشی که متناسب با نوع زراعت و باغداری در منطقه، زمان انجام فعالیتهای زراعی و باغی و ... و میزان علاقمندی زنان روستائی صورت می‌پذیرد موفق‌تر بوده و تعداد زن روستائی بیشتری را جلب این فعالیتها کرده است.

کلمات کلیدی: زنان روستائی، آموزش و ترویج کشاورزی و مددکار ترویجی

مقدمه:

و نود درصد در زمینه صنایع دستی توسط آنها انجام می‌شود و لیکن بنا به دلایلی کمتر مورد توجه برنامه‌ریزان و دست‌اندرکاران مسائل توسعه روستائی واقع شده‌اند.

مشارکت در فعالیتهای تولیدی محصولات زراعی، نگهداری دام و طیور، بازاریابی و فروش محصولات، صنایع دستی و خانگی قالببافی، تبدیل و عمل‌آوری محصولات دامی و زراعی، فعالیتهای اجتماعی، همسرداری و مدیریت زندگی از جمله نقشهای متعدد زنان روستائی می‌باشد.

عدم آگاهی و درک صحیح از نقش زنان به عنوان تولیدکننده و تامین‌کننده نیازهای خانواده از سوی کنفرانس جهانی اصلاحات اراضی و توسعه روستائی یکی از موانع اصلی و اساسی در زمینه اجرا و پیشبرد راهبردهای مربوط به بهبود و افزایش مشارکت زنان ذکر شده است.

برای حفظ حقوق این قشر عظیم جامعه روستائی در مسیر توسعه همه جانبه، لازم است تا

امروزه اهمیت توسعه روستائی و نقش حیاتی آن در توسعه و پیشبرد کشورها بویژه کشورهای در حال رشد بر هیچ کس پوشیده نیست و به باور کارشناسان، تحقق این مهم بیش از هرچیز در گرو توسعه منابع انسانی است.

با توجه به نقش و اهمیت عامل نیروی انسانی در توسعه اقتصادی و لزوم استفاده بهینه از این منبع تجدیدشده به نحوی که هم تخصیص کارایی صورت گیرد، هم مزرعه‌دار بتواند از امکانات تواناییها و استعداد بالقوه نیروی کار بهره‌برداری کند، ضرورت دارد زمینه لازم برای این مهم تدارک دیده و سازمان داده شود.

زنان روستائی نقش و مشارکت قابل توجهی در فعالیتهای کشاورزی بویژه در زمینه تولید مواد غذایی دارند، زنان روستائی یکی از گروههای موجود و مؤثر در روستا هستند که حدود چهل درصد از فعالیتهای انجام یافته در زمینه کشاورزی



فعالیت‌های مختلف و نیازهای آموزشی مربوط به آن بررسی شود.

منظور از توسعه اقتصادی تنها افزایش تولید و بالا رفتن درآمد ملی نیست بلکه بهتر کردن شرایط اجتماعی نیز می‌باشد و هدف از آموزشی روستائیان، افزایش سطح اقتصاد کلی روستا، افزایش سطح کمیت و کیفیت تولید روستا، انتخاب نوع تولید، با توجه به امکانات بالقوه موجود در هر روستا و ایجاد تفاهم و دوستی برای بالا بردن سطح تعاون در روستا می‌باشد.

هدف از اجرای این تحقیق بررسی کلیه فعالیت‌های انجام شده توسط زن روستایی، زمان و مکان انجام این فعالیت‌ها، نحوه شرکت در فعالیت‌های آموزشی و ترویجی، محدودیت‌های وی برای شرکت در دوره‌های آموزشی و ترویجی، سن، تحصیلات، تعداد اعضای خانوار و ... می‌باشد. سپس تأثیر هر یک از عوامل یاد شده بر میزان استقبال زن روستایی از آموزش‌های موجود که بصورت انفرادی یا گروهی در مناطق مختلف انجام می‌شود، اندازه‌گیری می‌گردد.

مروری بر مطالعات گذشته:

حسینی‌نیا (۱۳۷۶) در مطالعه‌ای تحت عنوان توانمندسازی دختران روستائی، راهبردی در تحقق آرمان برابری جنسیتی و دستیابی به نمودی از توسعه انسانی پایدار پرداخته است. هدف مقاله آن است که ضمن بررسی اجمالی از وضعیت موجود دختران روستایی و تأکید بر نقش‌های کنونی آنان در خانواده و اجتماع فرآیندی پیشنهاد گردد تا در قالب آن مراحل ضروری برای توانمند ساختن دختران و در نتیجه تحقق آرمان برابری جنسیتی تشریح گردد. نتایج نشان می‌دهد که فراهم کردن آموزش‌های ویژه دختران روستایی به عنوان محور اصلی فعالیت، در قالب آموزش‌های رسمی (متوسطه و بالاتر) و آموزش‌های ترویجی، فنی حرفه‌ای، خانه‌داری و ... حق مسلم همه دختران روستایی است که بایستی با جدیت دنبال گردد.

محبوبی (۱۳۷۶) به بررسی انواع آموزش‌های مطلوب و مناسب برای دختران روستایی پرداخته است. بر طبق مطالعات وی مهمترین زمینه‌های آموزش‌های عملی و امکان‌پذیر برای دختران روستایی شامل زراعت، باغبانی، دامداری، صنایع دستی، صنایع تبدیلی، آموزش‌های عمومی، سوادآموزی، آموزش‌های دینی، آموزش‌های فرهنگی، آموزش‌های اقتصادی-اجتماعی، آموزش کودکان، تغذیه، بهداشت و تنظیم خانواده، حفظ محیط زیست، حفظ منابع طبیعی و آموزش‌های سیاسی می‌باشد.

کوهساریان، کلزایی و نظری (۱۳۷۶) به بررسی انواع آموزش‌های مطلوب و مناسب برای دختران جوان روستایی پرداخته‌اند. این مطالعه در منطقه گرگان و گنبد انجام شده است. در این مطالعه آموزش‌ها به چهارنوع آموزشی اتفاقی، غیررسمی، رسمی و آزاد تقسیم‌بندی شده‌اند. فرضیاتی در این تحقیق در نظر گرفته شده است. مثلاً رابطه سن و سواد دختران روستایی با نحوه آموزش، میزان تأثیر آموزش‌های ارائه شده بر آگاهی، طرق مختلف آموزش، موضوع آموزش و ... مورد بررسی قرار گرفته است و با استفاده از نرم‌افزار SPSS روابط بررسی شده‌اند. در این مطالعه از ضریب همبستگی پیرسون استفاده گردیده است. نتایج نشان داده

است که اکثر دختران روستایی گرایش بیشتری به فراگیری آموزش در زمینه کشاورزی، دامپروری، مسائل اجتماعی، فرهنگی و خانه‌داری دارند از لحاظ شیوه آموزش، آموزش دوطرفه گروهی را دوست دارند و بهتر است اجراء آموزش تئوری و عملی باشد.

حسن‌پور و رشکی (۱۳۷۶) به بررسی ویژگی‌ها و نیازهای آموزشی دختران جوان روستایی پرداخته است. نتایج نشان داده است که هرچقدر میزان آموزش و تحصیلات در دختران جوان بیشتر بوده است. میزان مرگ و میر کودکان پایین‌تر، رسیدگی به کودکان و تغذیه آنان مطلوب‌تر، تنظیم خانواده و توجه به نکات بهداشتی بالاتر، بازدهی اقتصادی و درآمد خانوار بالاتر، آگاهی از حق و حقوقشان بیشتر، مشارکت اجتماعی آنها بیشتر و امید به زندگی و افراد خانواده‌شان بیشتر خواهد بود بنابراین آموزش این گروه دارای ویژگی‌هایی است که بایستی مدنظر قرار گیرد از آن جمله، مکان و فضای آموزشی، زمان آموزش، خدمات و ابزار کمک آموزشی و محتوای مواد آموزشی.

طاهری (۱۳۷۵) به بررسی توسعه روستاها در ایران موانع و راه‌حلها پرداخته است. به باور وی آموزش در رشد و توسعه روستاها نقش کلیدی دارد. آموزش فقط به معنای کمال بخشیدن به ابزار کار و بکارگرفتن تجهیزات جدید کشاورزی و استفاده از کودهای جدید نمی‌باشد بلکه آموزش حرفه‌ای دهقانان، ایجاد شبکه مشاوران کشاورزی و مروجان، سازمان دادن عاقلانه کار و کشف و بکار بستن روش‌های افزایش قدرت تولید را نیز شامل می‌شود.

میرزائی و ترکمانی (۱۳۷۸) به تحلیل اقتصادی عوامل مؤثر بر مشارکت زنان روستایی در فعالیت‌های تولیدی همراه با دستمزد پرداخته است. به باور آنها زنان روستایی در اکثر کشورها بویژه در کشورهای در حال توسعه، نقش مؤثری در تولید دارند که این موضوع به نحو مناسبی مورد توجه قرار نگرفته است. هدف مطالعه تعیین میزان مشارکت زنان روستایی در فعالیت‌های تولیدی همراه با دستمزد و بررسی عوامل مؤثر بر آن بوده است. داده‌های مورد نیاز با استفاده از نمونه‌گیری خوشه‌ای دو مرحله‌ای و از ۵۳ خانوار روستایی شهرستان بافت استان کرمان جمع‌آوری شده است. نتایج مطالعه نشان داده است که عواملی از جمله دارایی شوهر و میزان دستمزد زن تأثیر مثبت و عواملی مانند سن شوهر، میزان تحصیلی زن، میزان مالکیت بر زمین‌های کشاورزی، تعداد فرزندان، فاصله تا شهر، فاصله تا مدرسه و میزان دستمزد شوهر تأثیر منفی بر مشارکت زنان روستایی در فعالیت‌های تولیدی دارد.

حسینی‌نیا (۱۳۷۸) به بررسی عوامل دموگرافیک مؤثر بر مشارکت در فعالیت‌های آموزشی، ترویجی و مشارکتی با تأکید بر مشارکت زنان روستایی پرداخته است. به باور وی امروزه مشارکت روستائیان در امور مربوط به توسعه روستایی به عنوان تبلور عینی رفتارهای مطلوب انسانی، جهت دستیابی به اهداف توسعه مطرح می‌باشد. مشارکت در برنامه‌های آموزشی و ترویجی به عنوان یکی از عوامل انکارناپذیر فرآیند توسعه روستایی، ضرورت مهمی است که پیش نیاز بهره‌مندی از مزایای آموزش‌های ترویجی، جهت دستیابی به اهداف



توسعه محسوب می‌شود. عوامل دموگرافیک مؤثر بر مشارکت در این مقاله مفصلاً بررسی شده‌اند که عبارتند از مرحلهٔ چرخهٔ حیاتی، جایگاه اقتصادی-اجتماعی، مشخصات اجتماعی-فیزیکی، گروه و وابستگی‌های سازمانی، روابط غیررسمی بین افراد، قرار گرفتن در معرض وسایل ارتباط جمعی و سایر فعالیتها.

تئوری و روش تحقیق:

برای دستیابی به اهداف تحقیق حاضر، یک رگرسیون انجام شده است. تابع مورد نظر، تابع تولید کاب داگلاس است. این تابع از معرفت‌ترین و ساده‌ترین توابع تولیدی یک محصول با دو یا چندین نهاده می‌باشد که برای اولین بار فرم جبری آن توسط ویکیستید پیشنهاد گردید و سپس برای نخستین بار کاب و داگلاس در مطالعه‌ای که در سال ۱۹۲۸ به منظور بررسی اثر سرمایه و نیروی کار در تولید محصولات زراعی در سالهای ۱۸۹۹ تا ۱۹۲۲ انجام شده بود، مورد استفاده قرار داده‌اند (۱۷).

یکی از دلایل استفاده وسیع از این تابع، سهولت تفسیر نتایج حاصله است. در واقع این تابع اجازه می‌دهد که به سادگی نوع بازده نسبت به مقیاس، کارایی عوامل تولید و نیز حساسیت جانشینی بین آنها و حساسیت تولید آنها را تعیین کرد (۱۷).

ثانیاً تابع با لگاریتم گرفتن به سادگی به تابع لگاریتمی-خطی تبدیل می‌شود، و از یک طرف تخمین تابع بسیار ساده می‌شود و به مراتب عملیات ریاضی ساده‌تری بر آن حاکم خواهد بود. شکل کل تابع تولید کاب داگلاس که گاهی به آن تابع تولید توانی گویند بصورت زیر است (۱۷):

$$Y = A \prod X_i^{\beta_i}$$

همانطور که گفته شده این تابع بوسیله لگاریتم خطی شده و با روش حداقل مربعات معمولی قابل تخمین است، شکل لگاریتمی تابع تولید کاب-داگلاس بصورت زیر است:

$$\log y = \log A + \beta_1 \log X_1 + \beta_2 \log X_2 + \dots + \beta_n \log X_n$$

یا می‌توان نوشت:

$$\log y = \log A + \sum \beta_i \log X_i$$

ثالثاً از جمله ویژگیهای تابع همگن بودن آن می‌باشد، همچنین هر یک از ضرایب کشش جزئی تولید هر نهاده را نشان می‌دهد. اگر $\beta_i = 1$ ، در نتیجه مجموع ضرایب، بازده نسبت به مقیاس را نشان می‌دهد. جهت تخمین تابع در این مطالعه، متغیر وابسته را تعداد شرکت در کلاسهای آموزشی و ترویجی در طول یکسان و متغیرهای مستقل را سن، سن همسر، شغل همسر، میزان سواد، تعداد اعضای خانوار، میزان سواد همسر، درآمد خانوار، محدودیتهای موجود (زمان تشکیل کلاسها، مکان تشکیل کلاسها- محدودیت مالی و اعتباری- نوع آموزشهای انفرادی و جمعی- اطلاع رسانی- ارتباط فعالیتهای آموزشی و ترویجی با جنسیت- رضایت و پذیرش همسر) در نظر گرفته‌ایم.

همچنین میزان فراوانی شرکت زنان و مردان در مراحل مختلف تولید محصولات زراعی، دامی،

صنایع دستی، خانه‌داری و ... مورد بررسی دقیق قرار گرفته است.

جهت انجام رگرسیون و تخمین از نرم افزار SPSS و روش تخمین حداقل مربعات معمولی (OLS) استفاده گردیده است. اکثر متغیرها بصورت رتبه‌ای وارد مدل شده‌اند (متغیرهای مجازی).

جهت نمونه‌گیری به روش پیمایشی شهرستانهای بافت و زرنده که از لحاظ تولیدات کشاورزی و دامداری متنوعترین شهرستانها و از لحاظ تشکیل کلاسهای آموزشی و ترویجی در سالهای ۸۰ و ۸۱ در مقامهای اول و دوم در سطح استان کرمان بوده‌اند انتخاب گردیده‌اند (۸).

در هر شهرستان بطور جداگانه مطالعه انجام گرفته است. به این صورت که در هر شهرستان خوشه‌های اصلی عبارت بودند از دهستانهای تحت پوشش، ۴۰ درصد دهستانهای بافت و ۲۰ درصد دهستانهای زرنده بصورت تصادفی انتخاب شدند.

دلیل عدم انتخاب همهٔ دهستانها، کمبود امکانات، وقت و هزینهٔ کافی بوده است. در هر یک از دهستانهای انتخابی روستاهای مورد نظر لیست گردید و روستاهای نمونه براساس فرمول زیر:

$$Z = 96/1$$

تهیه گردید.

$$n = \frac{M\sigma^2 c_i}{MD + \sigma^2 c_i} \quad D = \frac{B^2 N^2}{Z^2}$$

M = تعداد روستاهای نمونه، M تعداد کل روستاهای مورد مطالعه در چارچوب نمونه‌گیری، $\sigma^2 c_i$ = واریانس سطح زیرکشت محصول غالب در منطقه در بین دهستانهای موجود N = متوسط تعداد زارعین تحت پوشش

دهستان

$$B = \text{حداکثر میزان خطای مجاز}$$

در مرحله بعد زارعین نمونه از میان جمعیت زارعین تحت پوشش روستاهای نمونه انتخاب شدند.

$$n = \frac{N\sigma^2 c_i}{ND + \sigma^2 c_i} \quad D = \frac{B^2 N^2}{Z^2}$$

n = تعداد کل زارعین $Z = 96/1$ نمونه

N = تعداد کل زارعین در کل مراکز خدمات نمونه

$$B = \text{حداکثر خطای مجاز}$$

بدین ترتیب تعداد ۳۹ پرسشنامه در سطح شهرستان بافت و ۴۰ پرسشنامه در سطح شهرستان زرنده و در کل تعداد ۷۹ پرسشنامه در سطح شهرستانهای بافت و زرنده تکمیل گردید.

همچنین در روش اسنادی از آمارهای موجود در رابطه با تعداد کلاسهای آموزشی و کارگاههای ترویجی، تعداد شرکت کنندگان، سطح زیرکشت، محصولات غالب مناطق و تعداد بازدیدهای فنی که در مدیریت جهاد کشاورزی شهرستانها و مدیریت ترویج سازمان جهاد کشاورزی استان کرمان وجود داشته است، استفاده شده است.

بحث و نتایج:

بر طبق جدول شماره (۱) در سطح شهرستان بافت هفت دهستان عمده وجود دارد که عبارتند از دهستان فتح‌آباد، بزنجان، گوگر، کیسکان، دشتاب

دولت آباد و صوغان که از بین اینها دهستانهای بزنجان، دشتاب و دولت آباد انتخاب گردید در این جدول تعداد کارگاههای آموزشی، تعداد شرکت کننده و تعداد بازدید فنی و محصولات غالب هر منطقه بیان گردیده است.

جدول شماره (۱): تعداد کارگاهها، بازدید فنی و شرکت کنندگان دوره های آموزشی در سطح دهستانهای شهرستان بافت (۱۳۸۰)

نام دهستان	تعداد کارگاه آموزشی	تعداد شرکت کننده	تعداد بازدید فنی	تعداد شرکت کننده	محصول غالب
فتح آباد	۶	۲۲۰	۵	۴۱	گندم و جو
بزنجان	۷	۲۷۵	۷	۶۱	گندم و جو
گوغر	۹	۳۳۰	۴	۱۹	گندم و جو
کیسکان	۹	۲۷۰	۴	۲۲	گندم و جو
دشتاب	۷	۲۷۰	۵	۴۱	گندم و جو
دولت آباد	۵	۷۵	۵	۷۰	گندم، جو، پنبه
صوغان	۴	۶۰	۴	۶۰	گندم، جو، پنبه

مأخذ: مدیریت ترویج سازمان جهاد کشاورزی استان کرمان (۸)

در جدول شماره (۲) در سطح شهرستان زرنند سیزده دهستان عمده وجود دارد که عبارتند از خانوک، اسلام آباد، وحدت، یزدان آباد، محمدآباد، جرفافک، حتکن، طغرال الجرد، سیریز، جور، خرم دشت، سرینان و دشتخاک که از بین این دهستانها، دهستان خانوک، یزدان آباد و جرفافک انتخاب گردیده اند. در این جدول نیز تعداد کارگاههای آموزشی، تعداد بازدیدهای فنی، تعداد شرکت کنندگان و محصولات غالب هر منطقه بیان گردیده است.

جدول شماره (۲): تعداد کارگاهها، بازدید فنی و شرکت کنندگان دوره های آموزشی در سطح دهستانهای شهرستان زرنند (۱۳۸۰)

نام دهستان	تعداد کارگاه آموزشی	تعداد شرکت کننده	تعداد بازدید فنی	تعداد شرکت کننده	محصول غالب
خانوک	۶	۱۲۰	۱	۱۰	پسته، گندم، جو
اسلام آباد	۴	۸۰	۱	۱۰	پسته
وحدت	۶	۱۲۰	-	-	پسته
یزدان آباد	۶	۱۲۰	۲	۲۰	پسته
محمدآباد	۸	۱۶۰	۱	۱۰	پسته، زعفران
جرفافک	۷	۱۴۰	۲	۱۰	صیفی و سبزی
حتکن	۶	۱۲۰	۱	۱۰	گردو، سیاه ریشه
طغرال الجرد	۶	۱۲۰	۱	۱۰	پسته، گندم، جو
سیریز	۴	۸۰	۱	۱۰	پسته، گندم، جو
جور	۶	۱۲۰	۲	۲۰	گندم، ج، یونجه
خرم دشت	۶	۱۲۰	۲	۲۰	پسته، گندم، بادام
سرینان	۶	۱۲۰	۱	۱۰	سیب زمینی، گندم، جو
دشتخاک	۵	۱۰۰	۱	۱۰	سیب زمینی، گندم، جو

مأخذ: مدیریت ترویج سازمان جهاد کشاورزی استان کرمان (۸)

کلیه متغیرهای مستقلی که در تابع آورده شده‌اند در سطح شهرستان بافت و زرنند مورد بررسی قرار گرفته‌اند:

در سطح شهرستان بافت و زرنند، سن بهره‌برداران زن مورد بررسی قرار گرفته است، برطبق جدول شماره (۳)، در شهرستان بافت، ۴۳٪ زنان روستایی ۱۰-۲۵ ساله، ۳۳٪، ۲۵-۴۰ و ۲۴٪، ۴۰-۵۵ ساله‌اند و در شهرستان زرنند ۵۰٪ بهره‌برداران ۱۵-۳۰ ساله، ۲۵٪، ۳۰-۴۵ ساله و ۱۵٪، ۴۵-۶۰ ساله‌اند.

جدول شماره (۳): توزیع بهره‌برداران نمونه براساس سن

نام شهرستان	بافت	زرنند	بافت	زرنند	بافت	زرنند
سن (سال)	۱۰-۲۵	۱۵-۳۰	۲۵-۴۰	۳۰-۴۵	۴۰-۵۵	۴۵-۶۰
تعداد بهره‌برداران (نفر)	۱۷	۲۰	۱۳	۱۴	۹	۶
درصد بهره‌برداران	۴۳٪	۵۰٪	۳۳٪	۳۵٪	۲۴٪	۱۵٪

مأخذ: یافته‌های تحقیق

در جدول شماره (۴) توزیع زنان روستایی مورد مطالعه براساس سطح سواد آورده شده است. براین اساس، ۲۰/۵ درصد زنان روستایی بافت، بیسواد، ۱۲/۸٪ سواد خواندن و نوشتن، ۱۲/۸ درصد سواد در حد ابتدایی، ۷/۷٪ سواد در سطح راهنمایی، ۴۳/۶٪ سواد در سطح دیپلم و ۲/۶ درصد سوادشان بالاتر از دیپلم است و در شهرستان زرنند، ۲۰٪ بهره‌برداران بیسواد، ۵٪ سواد خواندن و نوشتن، ۲۰٪ سواد ابتدایی، ۳۰٪ راهنمایی، ۲۲/۵٪ دیپلم و ۲/۵٪ بالاتر از دیپلم دارند.

جدول شماره (۴): توزیع بهره‌برداران نمونه براساس سطح سواد

سطح سواد	بیسواد		خواندن و نوشتن		ابتدایی		راهنمایی		دیپلم		بالاتر از دیپلم	
	زرنند	بافت	زرنند	بافت	زرنند	بافت	زرنند	بافت	زرنند	بافت	زرنند	بافت
تعداد بهره‌برداران	۸	۸	۲	۵	۸	۵	۳	۱۲	۱۷	۹	۱	۱
درصد بهره‌برداران	۲۰/۵	۲۰	۵	۱۲/۸	۲۰	۱۲/۸	۷/۷	۳۰	۴۳/۶	۲۲	۲/۵	۲/۶

مأخذ: یافته‌های تحقیق

در جدول شماره (۵) توزیع زنان روستایی براساس تعداد اعضای خانوار آورده شده است. براساس این جدول ۳۰٪ بهره‌برداران شهرستان بافت، ۱-۵ نفر، ۴۸٪، ۵-۱۰ نفر و ۲۲٪، ۱۰-۱۵ نفر عضو در خانواده دارند در شهرستان زرنند نیز ۲۳٪ زنان روستایی خانواده سه نفره، ۵۱٪، ۳-۶ نفره و ۲۱٪، ۶-۱۰ نفره دارند.

جدول شماره (۵): توزیع بهره‌برداران نمونه براساس تعداد اعضای خانوار

نام شهرستان	بافت	زرنند	بافت	زرنند	بافت	زرنند
تعداد اعضای خانوار (نفر)	۵-۱	۳-۱	۱۰-۵	۶-۳	۱۵-۱۰	۱۰-۶
تعداد بهره‌برداران	۱۲	۹	۱۹	۲۰	۸	۱۱
درصد بهره‌برداران	۳۰٪	۲۳٪	۴۸٪	۵۱٪	۲۲٪	۲۱٪

مأخذ: یافته‌های تحقیق

در جدول شماره (۶) توزیع زنان روستایی مورد مطالعه براساس پذیرش همسر آنها برای شرکت در کلاسهای آموزشی آورده شده است. براین اساس ۹۵ درصد مردان در شهرستان بافت موافق شرکت زنان روستایی در دوره‌های آموزشی و ترویجی هستند و تنها ۵ درصد مخالفت می‌کنند در شهرستان زرنند

توسعه بهره‌وری



نیز ۸۷/۵٪ مردان در روستاهای مورد مطالعه موافق حضور زنان در دوره‌های آموزشی و ترویجی هستند.

جدول شماره (۶): توزیع بهره‌برداران نمونه براساس موافقت همسران برای شرکت در دوره‌های آموزشی

نظر همسر		همسر موافق است		همسر موافق نیست	
نام شهرستان		بافت	زرنده	بافت	زرنده
درصد بهره‌برداران		۹۲٪	۳۵٪	۸٪	۵
تعداد بهره‌برداران		۳۶	۸۷/۵	۳	۱۲/۵

مأخذ: یافته‌های تحقیق

در جدول شماره (۷) توزیع بهره‌برداران نمونه براساس سن همسر آورده شده است. براساس این جدول ۴۸٪ زنان روستایی شهرتان بافت شوهران ۲۰-۳۵ ساله، ۲۸٪، ۳۵-۵۰ ساله و ۲۴٪ شوهران ۵۰-۷۰ ساله دارند و در شهرستان زرنده، ۵۸٪ شوهران ۲۰-۳۵ ساله، ۳۰٪، ۳۵-۵۰ ساله و ۱۲٪، ۵۰-۶۵ ساله‌اند.

جدول شماره (۷): توزیع بهره‌برداران نمونه براساس سن همسر

سن همسر (سال)		۲۰-۳۵		۳۵-۵۰		۵۰-۷۰		۵۰-۶۵	
نام شهرستان		بافت	زرنده	بافت	زرنده	بافت	زرنده	بافت	زرنده
تعداد بهره‌برداران		۱۹	۲۳	۱۱	۱۲	۹	۵		
درصد بهره‌برداران		۴۸٪	۵۸٪	۲۸٪	۳۰٪	۲۴٪	۱۲٪		

مأخذ: یافته‌های تحقیق

در جدول شماره (۸) توزیع زنان روستایی براساس سواد همسرشان آورده شده است براین اساس ۵۶/۴٪ شوهران بیسواد، ۵٪ سواد در حد خواندن و نوشتن، ۲۳٪ درصد در حد ابتدایی، ۱۲/۸٪ درصد راهنمایی و ۲/۶٪ درصد بالاتر از دیپلم هستند در شهرستان زرنده نیز، ۴۰٪ درصد مردان بیسواد، ۷/۵٪ درصد در حد خواندن و نوشتن، ۲۰٪ درصد ابتدایی، ۱۲/۵٪ راهنمایی و ۷/۵٪ دیپلم و ۱۲/۵٪ بالاتر از دیپلم سواد دارند.

جدول شماره (۸): توزیع زنان روستایی براساس سواد همسر

سطح سواد		بیسواد		خواندن و نوشتن		ابتدایی		راهنمایی		دیپلم		بالاتر از دیپلم	
نام شهرستان		بافت	زرنده	بافت	زرنده	بافت	زرنده	بافت	زرنده	بافت	زرنده	بافت	زرنده
تعداد بهره‌برداران		۲۲	۱۶	۲	۳	۹	۸	۵	۵	۰	۳	۱	۵
درصد بهره‌برداران		۵۶/۴٪	۴۰٪	۵/۱٪	۷/۵٪	۲۳/۱٪	۲۰٪	۱۲/۸٪	۱۲/۵٪	۰٪	۷/۵٪	۲/۶٪	۱۲/۵٪

مأخذ: یافته‌های تحقیق

در شهرستان بافت:

اطلاع‌رسانی نامطلوب یکی از موانع اصلی در عدم شرکت زنان روستایی در کلاسهای آموزشی و ترویجی در سطح شهرستانهای مورد مطالعه بوده است بطوریکه در سطح شهرستان بافت، ۶۱/۵٪ درصد زنان روستایی از برگزاری دوره‌ها در اطلاع بوده‌اند و حدود ۴۰٪ درصد زنان روستایی از این موضوع کاملاً بی‌اطلاع بوده‌اند. همچنین نوع آموزشها بصورت انفرادی و جمعی نیز گاهی در برخی مناطق ایجاد محدودیت کرده است، بطوریکه نامطلوب بودن آموزشها باعث عدم استقبال زنان روستایی شده است بطوریکه در سطح شهرستان بافت و در مناطق مورد مطالعه ۹۵٪ بهره‌برداران از این آموزشها اظهار نارضایتی داشته‌اند. کسب درآمد و سرپرستی خانوار در ۶۶٪ زنان مورد مطالعه بر عهده مردان خانواده، ۳٪ درصد بر عهده زنان و ۳۱٪ درصد بر عهده هم زن و هم مرد بوده است. زنان سرپرست خانوار بندرت در دوره‌های آموزشی شرکت می‌کنند. یکی دیگر از محدودیتهایی که بر سر راه آموزش زنان روستایی شهرستان بافت وجود داشته است مکان



اجرای این کلاسهاست که با دور از روستاست و یا جای مناسبی جهت آموزش نمی‌باشد بطوریکه ۸۰٪ زنان روستایی از مسافت دور اجرای کلاسها بعنوان محدودیت نام برده‌اند.

هزینه بالای اولیه برای شرکت در برخی کلاسها (آموزش صنایع دستی و خانگی) یک محدودیت برای زنان روستایی محسوب می‌شود بطوریکه ۸۷٪ زنان روستایی مورد مطالعه در شهرستان بافت دلیل عدم شرکتشان در دوره‌های آموزشی را این مسئله عنوان کرده‌اند.

بیشتر آموزشها و کلاسهای ترویجی در رابطه با کشاورزی و دامداری در مناطق مورد مطالعه خاص مردان است بطوریکه ۸۹٪ زنان روستایی از اینکه این کلاسها برای زنان تشکیل نمی‌شود اظهار نارضایتی نموده‌اند.

زمان نامناسب اجرای دوره‌های آموزشی و ترویجی یکی از محدودیتهای زنان روستایی برای شرکت در این کلاسهاست. با توجه به ساعات اشتغال به کار زنان روستایی در مزارع و یا در امور خانه بایستی برنامه‌ریزی دوره‌ها صورت پذیرد. ۸۰٪ زنان روستایی زمان نامناسب کلاسها را یک محدودیت دانسته‌اند.

در رابطه با نوع آموزشها، بایستی در منطقه فعالیتهای مختلف زنان روستایی در تولید محصولات زراعی، دامی، صنایع دستی، خانه‌داری مورد بررسی قرار گیرد و سپس برنامه‌ریزی آموزشی براساس این فعالیتهای صورت گیرد، در سطح مناطق مورد مطالعه شهرستان بافت، در مرحله کاشت گندم و جو و تهیه زمین بالاتر از ۷۰٪ مردان شرکت می‌کنند و حدود ۳۰٪ زنان در این مرحله نقش دارند. در وجین علف هرز ۳۳ درصد زنان نقش دارند و در کودپاشی و سمپاشی گندم و جو کمترین نقش را ایفاء می‌کنند. برداشت نیز بیشتر با کمباین صورت می‌گیرد. بنابراین آموزش زنان روستایی بایستی در مورد مراحل داشت گندم و جو بیشتر متمرکز شود. براساس مطالعات انجام گرفته بیشتر عملیات

داشت و برداشت صیفی و جالیزکاری در سطح شهرستان بافت توسط زنان روستایی صورت می‌گیرد بطوریکه حدود ۵۰٪ وجین علف هرز و مراحل برداشت توسط زنان انجام می‌شود دوره‌های آموزشی بایستی بر روی این مراحل متمرکز شود.

در مورد فعالیت باغداری (کاشت گردو و پسته در بافت) بیش از ۵۰٪ مراحل برداشت بسته‌بندی، جمع آوری، درجه‌بندی خشک کردن، نگهداری و فروش این محصولات توسط زنان روستایی انجام می‌شود.

در مورد فعالیتهای دامداری نگهداری دام و طیور، تغذیه، جمع‌آوری محصولات (تخم‌مرغ، شیر و...) در حدود ۸۰٪ توسط زنان روستایی انجام می‌شود که بایستی فعالیتهای آموزشی بیشتر در این زمینه‌ها باشد.

بیش از ۹۰٪ فعالیتهای خانه‌داری نیز در سطح شهرستان بافت توسط زنان صورت می‌گیرد.

در جدول شماره (۹) نتایج حاصل از تخمین تابع کاب- داگلاس در سطح شهرستان بافت آورده شده است براساس این جدول از بین متغیرهای سن، سواد، سن همسر، سواد همسر، تعداد اعضای خانوار، میزان پذیرش همسر، وجود محدودیت مالی، زمانی، مکان تشکیل کلاسها، محدودیت جنسیتی، نوع آموزشها، سرپرست خانوار، میزان درآمد خانوار، متغیرهای، میزان اطلاع‌رسانی، محدودیت زمانی، میزان سواد، سن و سواد همسر، میزان پذیرش همسران، میزان درآمد خانوار، معنی‌دار شده‌اند بطوریکه افزایش و بهبود اطلاع‌رسانی در زمان مناسب برگزار شدن دوره‌های آموزشی، افزایش سواد همسران، میزان رضایت‌مندی همسر و افزایش درآمد خانوار، تعداد شرکت در دوره‌های آموزشی را برای زنان افزایش داده است در حالیکه با افزایش سن مردان خانواده دلیل فشار ناشی از فعالیتهای خانه‌داری بر زنان روستایی، تعداد شرکت در کلاسها کاهش یافته است.

لازم به ذکر است در متغیرهای تحت عنوان محدودیت، اگر چنانچه محدودیت وجود داشته است ارزش متغیر (۱) و اگر وجود نداشته است ارزش متغیر (۲) در نظر گرفته شده است.

جدول شماره (۹): نتایج حاصل از تخمین عوامل مؤثر بر تعداد شرکت در کلاسهای آموزشی و ترویجی (شهرستان بافت)

نام متغیر	ضرایب تخمین زده شده	t آماره	t درصد معناداری آماره
میزان اطلاع‌رسانی	۴/۴۶۰۸	۲/۰۰۸۵	۰/۰۰۴۹
محدودیت زمانی	-۰/۱۰۵۵	۰/۹۰۰۴	۰/۰۹۲۱
میزان سواد زن روستایی	۰/۷۵۲۱	۱/۸۵۰۳	۰/۰۳۰۶
سن همسر	-۲/۰۴۳۸	۱/۰۰۴۹	۰/۰۳۶۹۱
سواد همسر	۰/۷۵۶۹	۳/۰۹۱۳	۰/۰۰۴۴
میزان پذیرش همسران	۰/۰۳۹۸	۴/۲۱۵۲	۰/۰۰۰
میزان درآمد خانوار	۱/۳۹۰۷	۳/۱۱۲۷	۰/۰۰۱۲
ثابت	-۵/۲۷۶۱	۰/۹۳۲۷	۰/۰۸۴۱

مأخذ: یافته‌های تحقیق

$$F = ۱۳/۳۷$$

$$R^2 = \%۶۶$$

آموزشی، نور، گرما و ... می‌باشد که اغلب نامناسب و یا دور از روستاهای مورد مطالعه است که زنان روستایی به سختی می‌توانند در این مکانها حضور بهم رسانند.

در منطقه مورد مطالعه شهرستان زرند یکی از محدودیتهای اصلی برای شرکت زنان روستایی در

همانطور که ملاحظه می‌شود ضریب تعدیل R^2 برابر ۶۶٪ شده است و این به معنی توجیه متغیر وابسته توسط متغیرهای مستقل به میزان ۶۶٪ است.

با توجه به نتایج بدست آمده در سطح شهرستان بافت پیشنهاد می‌گردد:

۱ - کلیه آموزشهای مربوط به زنان روستایی با توجه به نوع زراعت، باغداری، دامداری و فعالیتهای خانه‌داری در منطقه صورت گیرد چون در مناطق مورد مطالعه کشت گندم، جو، صیفی کاری و گردو و تولید فرآورده‌های دامی خصوصاً بز و گوسفند بصورت عمده‌ای توسط زنان روستایی صورت می‌گیرد بیشتر دوره‌های آموزشی در همین زمینه‌ها باشد.

۲ - در زمینه صنایع دستی چون جزء فعالیتهای اشتغالزا و درآمدزا برای زنان روستایی شهرستان بافت محسوب می‌شود و میزان علاقمندی زنان نیز بیشتر است ضروری است، این دوره‌ها بصورت بیشتری در مناطق مورد مطالعه صورت بگیرد.

۳ - دختران جوان روستایی آموزشهای فنی حرفه‌ای (خیاطی، گلسازی و ...) را به سایر آموزشها بدلیل درآمدزا بودن ترجیح می‌دهند بنابراین برنامه‌ریزی آموزشی بایستی در این زمینه صورت پذیرد.

۴ - سعی شود دوره‌های آموزشی در سطح شهرستان بافت بیشتر در فصل زمستان و بعد از ظهرها و اختصاصاً برای زنان روستایی تشکیل گردد. زیرا در فصول دیگر تابستان که مراحل داشت و برداشت می‌باشد زنان بیشتر وقت خود را کنار همسرشان و در مزرعه می‌گذرانند.

۵ - حمایت‌های مالی و روانی از زنان روستایی که سرپرست خانوار هستند (در اثر مرگ و یا کهولت همسران) برای شرکت آنان در فعالیتهای آموزشی و ترویجی.

۶ - ایجاد یک سیستم اطلاع‌رسانی قوی از طریق مددکاران ترویجی و رابطان ترویج در روستاها

۷ - ایجاد تسهیلات برای زنان بیسواد روستایی جهت باسواد شدن و آموزشهای مدرسه‌ای به آنان.

در شهرستان زرند:

در زمینه محدودیتهای موجود در سطح شهرستان زرند برای شرکت زنان روستایی در کلاسهای آموزشی و ترویجی محدودیت اساسی اطلاع‌رسانی نامطلوب به سطح روستاها می‌باشد. بطوریکه ۴۷/۵ درصد زنان روستایی این محدودیت را برای شرکت در دوره‌های آموزشی ذکر نموده‌اند. نامطلوب بودن برخی آموزشهای فردی و جمعی باعث عدم شرکت فعال زنان روستایی در فعالیتهای ترویجی شده است بطوریکه تنها ۷/۵ درصد زنان روستایی با این محدودیت روبرو نبوده‌اند و توانسته‌اند براساس علاقه در این کلاسها شرکت کنند.

۷۵ درصد مردان در روستاهای مورد مطالعه سرپرست خانوارهای خویش هستند و کسب درآمد اصلی توسط آنان صورت می‌گیرد معمولاً زنان سرپرست خانوار حضور کم‌رنگی در فعالیتهای آموزشی بدلیل مشغولیت زیاد دارند.

یکی دیگر از محدودیتهای موجود بر سر راه آموزش و ترویج زنان روستایی مکانهای تشکیل کلاسها از لحاظ وسایل ارتباط جمعی، کمک





برگی، سیر، پیاز و ...) عملیات وجین علف هرز، آبیاری، کودپاشی و برداشت و تهیه بذر توسط زنان روستایی صورت می‌پذیرد.

بیش از ۵۰٪ عملیات برداشت پسته (برداشت، جمع‌آوری، پوست‌کنی، خشک کردن، حمل به انبار، بسته‌بندی و درجه بندی و ...) توسط زنان روستایی در منطقه یزدان آباد صورت می‌گیرد بنابراین برنامه‌های آموزشی و ترویجی بایستی در راستای فعالیتهای انجام شده جهت بهبود بهره‌وری زنان روستایی در تولید محصولات زراعی باشد.

یعنی با بررسی حضور فیزیکی زنان در هر یک از مراحل یاد شده بهترین و برترین عملیات زراعی، باغی و بیوتکنولوژی به زنان آموزش داده شود تا در بهبود وضعیت تولید در این مناطق که سهم عمده آن بر عهده زنان روستایی است گامهای مؤثر برداشته شود.

در جدول شماره (۱۰) نتایج حاصل از تخمین عوامل مؤثر بر حضور زنان روستایی در دوره‌های آموزشی و ترویجی به روش OLS آورده شده است. از بین کلیه متغیرهای ذکر شده در قسمتهای مختلف مقاله متغیر میزان تحصیل زنان روستایی، اطلاع‌رسانی بموقع، نوع آموزشها، سن همسر، درآمد خانوار، مکان مورد استفاده برای ایجاد دوره‌های آموزشی و ترویجی، محدودیت درآمدی، محدودیت زمان تشکیل کلاسها، تعداد اعضای خانوار، میزان سواد همسر معنا دار شده‌اند. بطوریکه اطلاع‌رسانی ضعیف، آموزش نامطلوب، سن بالای همسر مکان مورد استفاده درآمد کم، زمان نامناسب، میزان سواد کم زن و شوهر باعث کاهش شرکت زنان روستایی در فعالیتهای آموزشی و ترویجی شده است.

آموزشهای فنی و حرفه‌ای هزینه بالای تهیه وسایل ابتدایی برای این کلاسهاست بطوریکه تنها ۱۵٪ زنان روستایی قادر به پرداخت این هزینه‌ها بوده‌اند. ۶۰ درصد زنان روستایی مختلط بودن آموزشها و ناهماهنگی این آموزشها با جنسیت آنها را یکی از محدودیتهای شرکت در دوره‌های آموزشی و ترویجی ذکر نموده‌اند.

۵۵٪ زنان روستایی در رابطه با زمان تشکیل کلاسها و دوره‌ها محدودیت دارند بهتر است این دوره‌ها در زمانهایی تشکیل گردد که زنان کمترین اشتغال بکارهای زراعی، دامی، صنایع دستی و خانه‌داری را داشته باشند. بنابراین اگر این دوره‌ها در فصل کشت محصولات و برداشت آنها نباشد بهتر است.

در رابطه با نوع آموزشها در منطقه مورد مطالعه شهرستان زرنند ابتدا انواع تولیدات زراعی، باغی، دامی و صنایع روستایی دستی مورد بررسی قرار گرفت و سپس نقش و تعداد زنان شرکت کننده در کلیه مراحل کاشت، داشت و برداشت محصولات ارزیابی شد براساس نتایج دست آمده در شهرستان زرنند و در مناطق مورد مطالعه کشت سبزی و صیفی در مناطق کوهستانی و کشت پسته در مناطق جلگه‌ای مرسوم است.

همچنین فعالیتهای دامداری نیز توسط زنان روستایی انجام می‌شود بطور مثال در مورد تغذیه دام ۸۲٪ و نگهداری و شیردوشی، ۸۰٪ زنان روستایی حضور فعال دارند.

۸۵٪ فعالیتهای خانه‌داری از جمله پخت نان، تهیه آب، تهیه هیزم برای نانوائی، نگهداری فرزندان و ... توسط زنان روستا انجام می‌شود.

۶۲٪ فعالیتهای مربوط به انواع سبزیکاری در منطقه جرجافک (کشت انواع سبزیجات

جدول شماره (۱۶): نتایج حاصل از تخمین عوامل مؤثر بر حضور زنان در دوره‌های آموزشی (شهرستان زرنند)

نام متغیر	ضریب تخمین زده شده	t آماره	t درصد معناداری آماره
سواد زن روستایی	۰/۱۶۷۱	۵/۸۷۵۰	۰/۰۰۰۱
اطلاع رسانی	+۱/۸۶۸۸	۱/۰۰۹۳	۰/۰۲۵۶۵
نوع آموزش	+۰/۵۱۹۶	۰/۸۵۶۰	۰/۰۹۱۲
سن همسر	-۰/۰۱۸۲۲	۲/۰۵۶۷۳	۰/۰۰۱۵
درآمد خانوار	۰/۵۸۴۰	۲/۵۰۰۶	۰/۰۰۱۶
مکان تشکیل کلاس	۰/۳۴۴۵	۱۰/۱۶۲۳	۰/۰۰۰۰
محدودیت درآمدی	۰/۲۳۳۰	۱/۵۳۱۰	۰/۰۰۲۵۳
محدودیت زمان	۰/۲۵۳۸	۱/۰۰۱۵	۰/۰۱۱۱۳
تعداد اعضای خانوار	۱/۰۵۱۸	۵/۰۰۱۱	۰/۰۰۱۴
میزان سواد همسر	۰/۰۵۰۱۴۰	۶/۰۰۱۵	۰/۰۰۰۰
ثابت	۵/۸۱۰۲	۱/۰۶۱۴	۰/۰۰۵۰

مأخذ: یافته‌های تحقیق

$$F = ۵۷/۰۱۱$$

$$R^2 = \% ۸۷$$

- ۴ - حسینی‌نیا، غ. (۱۳۷۶)، "توانمندسازی دختران روستایی راهبردی در تحقق آرمان برابری جنسیتی و دستیابی به نمودی از توسعه انسانی پایدار"، مجموعه مقالات سمینار تواناسازی دختران جوان روستایی در مشارکتهای اجتماعی، کردستان: ۳۶-۵۰.
- ۵ - حسینی‌نیا، غ. (۱۳۷۸)، "بررسی عوامل دموگرافیک مؤثر بر آموزش زنان روستایی"، ماهنامه علمی جهاد، ۱۹ (۲۲۴-۲۲۵): ۲۴-۳۳.
- ۶ - ذرفدار، مقدم، ر. (۱۳۷۰)، "نقش زنان در توسعه روستایی" مجله جهاد، (۱۳۳-۱۳۴): ۱۶-۲۱.
- ۷ - سازمان جهاد سازندگی استان مازنداران، (۱۳۷۷)، "بررسی نقش زنان در مراحل مختلف تولید و پس از تولید در رشته‌های مختلف کشاورزی و دامداری" (۲۰۸-۲۰۹): ۴۱-۴۵.
- ۸ - سازمان جهاد کشاورزی استان کرمان، مدیریت ترویج، گزارش فعالیت‌های انجام شده واحد زنان روستایی، (۱۳۸۰ و ۱۳۸۱).
- ۹ - سبحانی، ح. (۱۳۷۲)، اقتصاد کار و نیروی انسانی، سازمان مطالعات و تدوین کتاب علوم انسانی تهران.
- ۱۰ - صالح‌نسب، غ. (۱۳۷۱ الف)، "نقش زنان در توسعه کشاورزی"، مجله جهاد (۱۵۱-۱۵۲): ۲۷-۲۲.
- ۱۱ - صالح‌نسب، غ. (۱۳۷۱ ب)، "جایگاه‌های مدنی و اقتصادی زنان"، مجله جهاد، (۱۵۳): ۶۰-۶۹.
- ۱۲ - کلانتری، ع. (۱۳۷۲)، "سرمایه انسانی و توسعه" فصلنامه اقتصاد کشاورزی و توسعه، (۱): ۸-۱۳.
- ۱۳ - کوهساریان، ک.، کلزایی، ص.، نظری، ن. (۱۳۷۶) "بررسی انواع آموزش‌های مطلوب و مناسب برای دختران جوان روستایی"، مجموعه مقالات سمینار تواناسازی دختران جوان روستایی در مشارکتهای اجتماعی، کردستان: ۲۴۶-۲۸۰.
- ۱۴ - محبوبی، م. (۱۳۷۶)، "بررسی انواع آموزش‌های مطلوب و مناسب برای دختران روستایی" مجموعه مقالات سمینار تواناسازی دختران جوان روستایی در مشارکتهای اجتماعی - کردستان: ۱۲۸-۱۴۹.
- ۱۵ - معرونی، پ. (۱۳۶۸)، "تلاش‌های فراموش شده زنان در عرصه کشاورزی"، مجله زیتون، (۹۴): ۸-۶.
- ۱۶ - معروفی، پ. (۱۳۶۹)، "تلاش‌های فراموش شده زنان در عرصه کشاورزی"، مجله زیتون، (۹۵): ۱۰-۱۲.
- ۱۷ - میرزائی، م. (۱۳۷۸)، تحلیل اقتصادی بهره‌وری و دستمزدهای نیروی کار زنان و مردان در بخش کشاورزی (مطالعه موردی استان کرمان) پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه شیراز.
- ۱۸ - FAO. Org. sight (۲۰۰۲). "Improving extension work with rural women."
- R^2 برابر ۸۷٪ شده است یعنی متغیرهای مستقل به میزان ۸۷ درصد متغیر وابسته را توضیح می‌دهند میزان آماره F نیز بیانگر معنی دار شدن رگرسیون است.
- با توجه به نتایج دست آمده در سطح شهرستان زرنند پیشنهادات ذیل داده می‌شود:**
- ۱ - تقویت باشگاه جوانان در روستاها جهت بهبود وضعیت کلاسهای آموزشی و اطلاع رسانی بموقع
 - ۲ - تشکیل کارگاههای آموزشی که نسبت به دوره‌های آموزشی مشاهده‌ای هستند و استقبال بیشتری از این کارگاهها صورت می‌پذیرد.
 - ۳ - استفاده از ابزار کمک آموزشی.
 - ۴ - کمک هزینه برای دوره‌های آموزش فنی و حرفه‌ای برای خانواده‌های کم درآمد.
 - ۵ - ایجاد انگیزه و تشویق فعالان دوره‌های آموزشی به هر نحو ممکن.
 - ۶ - تقویت مددکاران ترویجی و آگاهی دادن به روستائیان در ارتباط با نوع کار این گروه افراد روستا
 - ۷ - دادن آموزش‌های انفرادی به زنانی که سرپرست خانوار هستند و کمتر قادر به شرکت در دوره‌های آموزشی هستند.
 - ۸ - هماهنگی بین مروجین و محققین بخش‌های مختلف تحقیقاتی جهت انتقال یافته‌های تحقیقاتی به زنان روستایی که از جمله عمده تولید کنندگان محصولات زراعی، دامی و باغی هستند.
 - ۹ - ایجاد دوره‌های سوادآموزی برای زنان و مردان روستایی.
 - ۱۰ - استفاده از مددکاران ترویجی و کشاورزان غالب مناطق جهت توجیه دوره‌های آموزشی برای خانوارهای روستایی.
 - ۱۱ - تشکیل کلاسها و دوره‌های آموزشی در مکانهای مناسب و اطلاع‌رسانی از طریق مراکز خدمات روستایی.
 - ۱۲ - ایجاد دوره‌های آموزشی براساس گروه سنی دختران و زنان و علاقمندی آنها مثلاً آموزش‌های فنی و حرفه‌ای بدلیل اشتغالزایی و درآمدزایی بیشتر مورد استقبال زنان روستایی می‌باشد.
- منابع و ماخذ:**
- ۱ - ترکمانی، ج.، میرزائی، م. (۱۳۷۸) "تحلیل اقتصادی عوامل مؤثر بر مشارکت زنان روستایی در فعالیتهای تولیدی همراه با دستمزد"، فصلنامه روستا و توسعه، ۳ (۴ و ۳): ۸۱-۹۷.
 - ۲ - حسن پور، ز.، رشکی، ز. (۱۳۷۶). "بررسی ویژگیها و نیازهای آموزشی دختران جوان روستایی" مجموعه مقالات سمینار، تواناسازی دختران جوان روستایی در مشارکتهای اجتماعی، کردستان: ۲۸۱-۳۰۷.
 - ۳ - حیدری، ع.، برادران، م. (۱۳۷۶)، "بررسی به منظور شناخت برخی گرایشها و خواستها و تعیین زمینه‌های آموزشی مورد نیاز دختران روستایی" مجموعه مقالات سمینار تواناسازی دختران جوان روستایی در مشارکتهای اجتماعی، کردستان: ۵۲-۶۰.